

دام افاضه که امروز درین شهر بزم سخنوری ازو منور است -
 و در نثر و نظم کم همتا - این مثنوی تقریباً چار صد ابیاتست در
 موعظت - اما هنوز پیرایهٔ اتمام نیافته - بیتی چند از اوایل آن اینست
 بسم الله الرحمن الرحیم * تاج سخن راست چو دریتسیم
 تاج سخن چیست ثغالی خدای * کوست بجا نے بگه و نے بجای
 جان بتن آمای حکیم و کریم * بے تن و جان پای رؤف و رحیم
 آنکه بود معنی لفظ قدم * آنکه برآورد وجود از عدم
 آنکه بود واجب یکتا بذات * مظهر او آینهٔ ممکنات
 واحد مطلق احد بے نشان * قادر برحق صمد مہسربان
 هفت زمین هفت فلک آفرین * جن و بشر حور و ملک آفرین
 اوست که این بزم جهان آفرید * تا بچہ فر و بچہ شان آفرید
 از پی این بزمگہ پرس روز * کرد مه و مہسرقنادیل نور
 کرد درین بزم ز حکمت بپا * مروحہ جنبان نسیم و صبا
 و ہم او فرماید بر عنوان رسالہ تحفۃ الحاج

بسم الله الرحمن الرحیم * کعبۂ جان و اهل اهل نعیم

(۷۷) و برین وزنست مثنوی مشرق الانوار - مولوی

عبدالرحیم گورکھپوری تمنا تخلص عرف عام دہری صاحب
 فرهنگی دبستان کہ بعد از تحصیل علوم رسمیه و فنون حکمیہ نزیل
 کلکتہ شدہ درسنہ (۱۲۷۳) رحلت کردہ - بفارسی نیکو مہارتی داشتہ -
 بزبان انگریزی کتابے نظم درپند و انداز مثنوی بر شصت و چار

حکایتست که بنام گیز فیصل شهرت دارد حکایت اولیفش را تمنا
بفارسی بوزن مخزن نظم کرده و شاگرد رشید او و الاجذاب مولوی
عبیدالله عبیدی تخلص که از بزرگ شاعران میدنی پور و مدرس
مدرسه محسنیه می باشد در پی اتمام آن گشته - و نام او
مشرق الانوار کرده - سه بیت اولش از کلام عبیدی * بیت *

بسم الله الرحمن الرحيم * هست علاج از پی قلب سقیم
درد دلت را نبود ای لبیب * بهتره از اسم الهی طبیب
نام خدا طرفه پزشکیست همان * وه چه پزشکی که مسیحای جان

تم چند از حکایت اول من کلام تمنا

طرفه حدیثیست شنویدش ازین * بود شبان سره صحرانشین
خاطرش آسوده ز سود و زیان * پاکگهر پاکدم و پاکجان
دیده‌ور آگاه‌دل و تیزهوش * وز بد و نیک همه عالم خموش
پاس گله شام و سحر داشته * شب بگله چرخ نظر داشته
آمدن و رفتن لیل و نهار * کرده بدش پرخورد و هوشیار
گردش گردنده صیف و شتا * معرفتش کرده فزون و دها
از اسیر بوقلمون زمن * مشکش کافور و بنفشه سمن

(۷۸) و برین وزنست مثنوی چاره‌بیمار از

ابوالعاصم عبدالحلیم عاصم تخلص که یکی از تلامذه فقیر و از نومشقان
این شهر است - و طبیعتی و سلیقه نیکو دارد - بیمار بوده که
طبعش این مثنوی را آغاز نموده - اولش اینک * شعر *

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * حرفِ نخست است ز نظمِ حکیم

در حمدِ خداوند یگانه

حمدِ خداوند تعالی کنم * مرتبهٔ نظم در بالا کنم

حمدِ خدا تازه بهارِ سخن * حمدِ خدا حسنِ نگارِ سخن

حمدِ خدا مخزنِ اسرارِ ذکر * حمدِ خدا مطلعِ انوارِ فکر

حمدِ خدا نوگلِ گلزارِ جان * حمدِ خدا زمزمهٔ انس و جان

در تعریفِ سخن و سخنوران

گنجِ معانی بسخنِ آورم * معنی نو لفظِ کهن آورم

چيست سخن مظهرِ اسرارِ قدس * چيست سخن سانهٔ دیوارِ قدس

تا قول او

بود نظامی بسریِ سخن * پادشه طرزِ جدید و کهن

ملکِ سخن ملکِ نظامی بود * شهنشاهی از خسرو و جامی بود

وله ایضا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * خالِ رخ آرای عروسِ قدیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * گیسوی مشکینِ نگارِ قدیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * زلفِ گرهگیرِ عروسِ قدیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * گوهرِ یكدانهٔ درجِ قدیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * نغمهٔ مرغانِ ریاضِ نعیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * هست ز گلزارِ الهی شمیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * مخزنِ اسرارِ خدای کریم

بسم الله الرحمن الرحيم * درغم و اندوه و مصیبت ندیم

بسم الله الرحمن الرحيم * غنچه سر بسته راز حکیم

ذکر چند مصرع گویان بسمله

میرزا علاء الدوله قزوینی کامی تخلص که یکی از شعرای اکبری

بوده در اوایل نفایس المآثر که تذکره علایی نیز گویند نوشته * شعر *

بسم الله الرحمن الرحيم * مطلع انوار کلام قدیم

زینت دیباجه ام کتاب * زیب ده نامه فصل الخطاب

قفل گشای در گنج سخن * راهنمای سخن اندر دهن

سردیوان عبد الاحد وحدت تخلص نبیره حضرت سید احمد مجتهد

الف ثانی رح * شعر *

بسم الله الرحمن الرحيم * وسه ابروی عروس قدیم

لاعلم - بسم الله الرحمن الرحيم * گوهر اکلیل عروس قدیم

لاادری - بسم الله الرحمن الرحيم * مصرع برجسته نظم قدیم

استادی خدا بیامرز خواجه اسد الله کوب یکی از بزرگ شاعران جهانگیرنگر

بسم الله الرحمن الرحيم * هست کلید در فیض کریم

والاجذاب مولوی ذوالفقار علی معنی مرشد آبادی که ناظم

مناظم سخن و بزرگ مدرس مدرسه عالیہ انگلوریشن میباشد *

بسم الله الرحمن الرحيم * خال و خط شاهد نظم قدیم

بسم الله الرحمن الرحيم * مد تفامیل حساب قدیم

بسم الله الرحمن الرحيم * حاصل هر چار کتاب قدیم

بسم الله الرحمن الرحيم * فیہ شفاء لفواد سقیم
 بسمله با دوست عصای کلیم * بسمل این تیغ عدوی لئیم
 شد و مد خطبه شاهیست این * طغرئی منشور الهیست این
 طره طغرائش فصل الخطاب * هم خط پیشانی ام الكتاب
 جلوه انوار جمال آمده * خود شجر طور جمال آمده
 نقش مراد دل معنی گرای * هیکل طفل خرد رهنمای
 نامه کزین نام نشانه نیافت * جسم سیاهیست که جان نیافت
 برادر عزیزم سید محمود آزاد که پیشتر شیدا تخلص داشت و امروز
 در نظام و نثر دستمایه دارد و شایستگی و فیض پذیری و بهروزی
 از ذهید کلامش برتابد * شعر *

بسم الله الرحمن الرحيم * زینت عنوان کتاب قدیم
 بسم الله الرحمن الرحيم * لوح طلسم سرگنج حکیم
 بسم الله الرحمن الرحيم * آیت الطاف خدای کریم
 بسم الله الرحمن الرحيم * رهبر گنجینه فیض عدیم
 بسم الله الرحمن الرحيم * پرده گشای رخ حسن قدیم
 بسم الله الرحمن الرحيم * نوگل گلزار ریاض نعیم
 بسم الله الرحمن الرحيم * هست دلیل ره گنج کریم
 بسم الله الرحمن الرحيم * خال رخ افروز جمال قدیم

مولوی معراج الدین واصف تخلص از تلامذه فقیر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * هست نمک بر سرِ خوانِ کریم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * درِ گراندا یه بحرِ قدیم

ولوی محمد اشرف خان متخلص باشرف از شاگردان فقیر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * غازه رخسارِ عروسِ قدیم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * هست نسیم ز ریاضِ نعیم

حسان الهند میر غلام علی آزاد بلگرامی در خزانه عامره بترجمه

عرفی شیرازی گوید که فقیر هم مصرعے برای بسم اللّٰه

بهم رسانیده ام که

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * تیغ سیه تاب رسول کریم

اما شیخ نظامی علیه الرحمه در آغازِ مخزنِ اسرارِ قصب السبق از

مصرع گوین بسم اللّٰه ربوئه انتهى کلامه *

به گزینی و امتیاز در مثنویهای این بحر

صاحب فرهنگی دبستان نوکیز خامه تحقیق کرده که - اول

کسے که سفینه مثنوی درین بحر شیرین دلاویز روان ساخت - و

بآب و هوای دل افروزش طبایع سیاحتگران آن دریابار را بنواخت -

شاید نظامی بود که نخستین نامه از پنج گنج خود مخزن اسرار را

دران منظوم کرد - پاکي و تذک اندامی الفاظ و بلندی و نازکی

معانی این نامه پس آیندگار را چرخان محور جمال و کمال خود

گردانید که مدتها سودای بهم رسانیدن جواب شایسته آن بختند -

مخزن الاسرار بقول جمهور خود معجزه ایست در اشعار - اما در جوابها
 اول مطلع الانوار خسرو بعد ازان تحفة الاحرار جامی پس مظهر الآثار
 هاشمی کرمانی - در نفائس المآثر گفته که - الحق تحفة الاحرار
 را کس به از هاشمی کرمانی تتبع ننموده تم کلامه - و در موجزات
 خلد برین وحشی کرمانی •

In 1872, he published his *Risálah i Ishtiqaq*, an excellent elementary Persian Grammar.

The *Haft Ásmán* is the last work of Aghá Ahmad 'Alí. It was originally written as an Introduction to Nizámí's works to accompany the Society's edition of the *Sikandarnámah Bahrí*. It contains a valuable history of the Persian Masnawí. As Masnawís are written in seven metres, the work was entitled *Haft Ásmán*, or the 'Seven Heavens.' Although only the first *Ásmán* has been completed, the book forms a whole and will be found to contain invaluable hints on Persian poets and their works.

Aghá Ahmad 'Alí died of fever on the 6th Rabí' II, 1290, (June, 1873), at Dháká, deeply regretted by his numerous friends and pupils. His genuine enthusiasm for Persian literature, his profound knowledge of the language, his self-sacrificing kindness and singleness of mind, made him a general favourite. His pupils have lost in him a most excellent teacher, and the Asiatic Society a painstaking and conscientious editor, whom it will be difficult to replace.

H. BLOCHMANN.

Calcutta, Madrasah,
1st December, 1873.

BIOGRAPHICAL NOTICE OF THE AUTHOR.

The late Maulawí Aghá Ahmad 'Alí was the son of Aghá Shujá'at 'Alí, whose family came with Nádir Sháh to India, and was born at Dháká on the 10th Shawwál, 1255, as indicated by his *tárikhí* name of Mazhar 'Alí. He distinguished himself at an early age by his extensive knowledge of Persian literature. In 1862, he founded at Calcutta the Madrasah i Ahmadiyah, over which he presided till his death. In 1864, at the recommendation of Prof. Cowell, he was appointed a Persian teacher in the Government Madrasah at Calcutta, and in the following year he published his *Muayyid i Burhán* (Royal 8vo, 475 pp., printed at the Mazharul-'Ajáib Press, Calcutta). This work is a critical review of the well known Persian Dictionary entitled *Burhán i Qáfi'*, and its object is to defend the author of the lexicon against the hostile criticisms of the Dihli poet Ghálib. A reply by the latter drew forth Ahmad 'Alí's rejoinder, entitled *Shamsher i Teztar* (lithographed at Calcutta, 8vo. 1868, pp., 106). Both works, the *Muayyid i Burhán* and the *Shamsher i Teztar*, are of the greatest importance to Persian lexicographers. In 1866, he wrote the *Risálah i Taránah*, a work on the Rubá'í of the Persians, which the writer of this notice printed as the tribute of a pupil in 1867 (Royal 8vo., pp. 28).

For the Asiatic Society of Bengal, Aghá Ahmad 'Alí edited the Masnawí entitled *Wis o Rámín*, the *Sikandárnámah i Bahrí* (or *Iqbálnámah i Sikandarí*) by Nizámí, the *Iqbálnámah i Jahángirí*, the *Muntakhab uttawárikh* by Badáoní, the *Maásir i 'Alamgirí*, and the first two fasciculi of Abúl Fazl's *Akbarnámah*.